

باخت‌هایی که روی هم تلنبار می‌شوند

5 اسفند 1402

سنگر گرفتن پشت فوتبال ساحلی برای احیای غرور فوتبال ملی

علي ولي‌اللهی: سپاهان تنها نماینده باقیمانده فوتبال ایران در لیگ قهرمانان آسیا با شکست سه بر یک مقابل الهلال در بازی برگشت و باخت سنگین 6 بر 2 در مجموع حذف شد. پیش از این استقلال به دلیل عدم کسب مجوز حرفه‌ای، تراکتور در دور پلی‌آف و تیم‌های پرسپولیس و نساجی در مرحله گروهی از دور رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیای امسال کنار رفته بودند.

باخت سپاهان مقابل [الهلال](#) در یک‌هشتم نهایی لیگ قهرمانان تنها شکست یک تیم باشگاهی از ایران مقابل عربستان نیست. از جنبه‌های زیادی می‌توان این شکست را تکه‌ای از پازل ناکامی کامل فوتبال کشور دانست. سپاهان پرهزینه‌ترین تیم امسال لیگ است که تقریباً بهترین‌های ایران را در اختیار دارد. همراه با یک سرمربی سرشناس که سابقه دستياري مورینیو و قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا در کارنامه‌اش دیده می‌شود. اما همین تیم مقابل الهلال چنان شکست خورد که مشخص شود فاصله هزینه در فوتبال عربستان تا هزینه در فوتبال ایران و داشتن امکانات در باشگاه‌های ایران تا داشتن امکانات در باشگاه‌های عربستان چقدر است.

سپاهان در بازی رفت و در نقش‌جهان بازی بدی به نمایش گذاشت. یک هیچ پیش افتاد و حتی موقعیت داشت به گل دوم برسد اما در نهایت با خوردن گل مساوی، دادن یک اخراجی و دریافت دو گل در وقت‌های اضافه 3 بر یک مغلوب شد. در ریاض همین سناریو تکرار شد. سپاهان یک هیچ جلو افتاد، اخراجی داد و اتفاقاً این بار هم با var این اخراج صورت گرفت و سپس با خوردن 3 گل و ثبت نتیجه 6 بر 2 در مجموع به ایران بازگشت.

می‌توان این باخت را مختص سپاهان دانست. می‌توان گفت رفتارهای بچگانه محمد دانشگر و سیاوش یزدانی باعث باخت سپاهان شد. هرچند این دو خودشان قبول ندارند و در مجازی برای هم نوشابه باز می‌کنند که عالی بودی و چنین و چنان. می‌توان موریس را مقصر شکست معرفی کرد. اینکه چرا انگار بازیکنان سپاهان بعد از 10 نفره شدن می‌میرند! می‌توان تا مدت‌ها سرگرم این جزئیات شد ولی نباید فراموش کرد در عین حال که همه اینها تاثیرگذار بودند، مساله بسیار فراتر از این حرف‌هاست. مساله سر زیرساخت، امکانات و هزینه است.

این روزها فوتبال ساحلی ایران در جام جهانی نتایج خوبی گرفته و با شکست دادن امارات میزبان به نیمه‌نهایی و تقابل با برزیل رسیده است. در صداوسیما و رسانه‌ها این موفقیت بسیار پررنگ جلوه داده می‌شود که اتفاقاً حق بچه‌ها هم هست. اما بخشی از این بزرگنمایی به بی‌دست‌آورد بودن فوتبال ایران در چند سال گذشته برمی‌گردد. به اینکه ما چیز دیگری برای افتخار نداریم.

بیا باید ناکامی‌هایمان را بشماریم. حذف تکتک باشگاه‌های ایرانی از لیگ قهرمانان آسیا در حالی که رقیب اصلی ایران در فوتبال منطقه یعنی عربستان 3 نماینده در بین چهار تیم برتر غرب آسیا دارد. تازه آن یکی نماینده عربستان را هم یک تیم عربستانی دیگر حذف کرد و گرنه بعید نبود دور نیمه‌نهایی غرب آسیا بشود شعبه کوچکی از لیگ عربستان. احتمالاً آنها که مثل همیشه می‌خواهند خودشان را به خواب

بزنند ميگویند خب عوضش در جام ملت‌های آسیا ایران به نیمه‌نهایی رفت و عربستان با مربی 28 میلیون دلاری در يك هشتم مقابل کره جنوبی حذف شد.

پاسخ این مساله بماند برای مسابقات آتی که همه با هم پیشرفت تیم ملی عربستان را بعد از يك جوانگرایی وسیع در قطر 2023 دیدیم. بماند برای زمانی که ایران مجبور به پوست‌اندازی شد و دیگر نتوانست با میانگین بالای 30 سال تیم به مسابقات بفرستد. فقط عربستان هم نیست. قطر هم از فوتبال ایران سبقت گرفته است. آنها دو قهرمانی پیاپی جام ملت‌های آسیا در دو دوره اخیر به دست آورده‌اند، میزبان جام جهانی و جام ملت‌ها بوده‌اند و ستاره‌های بزرگی را به فوتبال کشورشان می‌آورند. ناگفته پیداست که رقبای دیگر یعنی عراق و اردن و سوریه و ... هم فاصله‌شان را با فوتبال ایران کم کرده‌اند.

ما در جام ملت‌ها ناکام بودیم. در رده امید و جوانان و نوجوانان به دستاوردهای نرسیدیم. در زنان هم همین‌طور. باشگاه‌های ایران ورشکسته هستند و چرخه معرفی ستاره در فوتبال کشور معیوب شده است. در حالی که لژیونرهای فوتبال کره جنوبی، ژاپن و حتی استرالیا در بالاترین سطح و به صورت فیکس بازی می‌کنند در ایران همه دلخوش شده‌اند به يك نیمه بازی کردن سردار آزمون یا نقل قولی که يك مربی درباره ستاره ایرانی نیمکت‌نشین تیمش مطرح می‌کند.



از همه اینها مهم‌تر دورنمایی برای رشد و تغییر در این روند به چشم نمی‌آید. همین حالا در فاصله کمتر از چهل روز تا تعیین تکلیف وضعیت مالکیت باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس برای گرفتن مجوز حرفه‌ای حضور در لیگ قهرمانان آسیا بیشتر باقی نمانده و ممکن است برای دوره پیش روی این تورنمنت سرخابی‌های پایتخت دچار مشکل شوند.

اینکه باید چه کار کرد را نمی‌توان در يك نوشته خلاصه کرد. اما باید گفت که کارشناسان و رسانه‌ها از سال‌ها پیش زنگ خطر را به صدا درآورده بودند. سال‌هاست گفته شده دولتی بودن فوتبال، حضور پررنگ سیاست و نهادهای خارج از فوتبال در این عرصه، نداشتن حق پخش، عدم توجه به فوتبال پایه و کنار گذاشتن مدیران موفق و روی کار آوردن مدیران بی‌کفایت فوتبال ایران را به قهقرا خواهد برد. هشدارهایی که جدی گرفته نشد تا امروز کار به اینجا بکشد. تلخ‌تر اینکه آینده می‌تواند از این هم

نامیدکننده‌تر باشد اگر روال به همین شکل ادامه پیدا کند.

متأسفانه در سال‌های گذشته برخی موفقیت‌های مقطعی مثل دو صعود پرسپولیس به لیگ قهرمانان آسیا، کسب یک برد در جام جهانی با وجود خوردن 6 گل از انگلیس و باخت به آمریکا، یک نمایش جانانه از [تیم ملی زنان](#) یا همین بردهای ساحلی‌بازان و گاهی بچه‌های فوتسال باعث شده فضایی کلی فوتبال تحت تأثیر قرار بگیرد. مدیرانی که هیچ دستاوردی نداشتند همه کاستی‌ها را جارو کردند زیر فرش همین موفقیت‌های کوچک که هیچ ارتباطی با ساختارسازی ندارند و مدیران بالادستی هم قانع شدند.

هشدارهای قبلی جدی گرفته نشد و احتمالاً اینها هم جدی گرفته نمی‌شوند. اما اگر خدای نکرده در سال‌های آینده همین سطح فعلی را هم که صرفاً به واسطه استعدادهای خاص بازیکنان ایران به دست آمده را از دست دادیم یا دمان بیاید که دیگری این روزها را پیش‌بینی کرده بودند.